

آينه

کیمیان

ازاعتدال تانتخارا

● جعفر بلوری: ... در اینکه دست دولت خالی است شکی نیست. اثبات این ادعا نیز کار زیاد سختی نیست. نگاهی به انتحار نامزد اصلی دولت در همین سه چهار روز گذشته و مقایسه آن با عملکرد ایشان در دو مناظره قبل، به‌خوبی مؤید این واقعیت است. اگر نامزد کارنامه قابل قبولی داشته باشد، به سبب آخر نمی‌زند و اگر این کارنامه بین مردم مقبول افتاده باشد نیز، صاحب کارنامه خود را به در و دیوار نمی‌کوبد. با افتخار متمرکز می‌شود روی داشته‌های خود نه روی تخریب داشته‌های دیگران. حمله به سپاه، ارتش، قوه قضائیه و توانمندی‌های نظامی کشورمان و اظهارات خلاف امنیت ملی – که بعضا دست‌انویزی شده برای رژیم‌های مرتجع صهیونیستی و وهابی- و در یک کلام، ظاهرشدن در قامت یک اپوزیسیون تمام‌عیار نظام یعنی، دولت دست‌ش خالی است و چیزی برای عرضه ندارد، یعنی هیچانی‌کردن فضا برای تعطیل‌کردن عقل مردم و جمع‌کردن رای؛ البته این حالت خوش‌بینانه ماجراست، فردی که امنیت کشور را بدون توجه به شرایط حساس منطقه به هم می‌ریزد، یا فریب خورده و ناخواسته در حال تکمیل طراحی نیمه‌کاره دشمن هستند. یا به چیزی غیر از انتخابات فکر می‌کند! ...

انتقاد

تصویرپردازی کاندیداها و اعتراف به واقعیت‌ها

● سسید لیلاز: ... توجه کنید که حذف آقای احمدی‌نژاد کوچک‌ترین جنبشی را در جامعه ایران به اندازه تکان‌دادن یک برگ ایجاد نکرد و این یعنی جامعه از رادیکالیسم فاصله گرفته است. البته حوادثی هستند که شوکی را به این رویکرد مردم ایران وارد می‌کند. بر فرض اگر رادیکالیسم‌کاخ سفید بخواهد مناقشات با ایران را از طریق جنگ رفع کند، در این حد می‌توان گفت‌که بر رویکرد مردم ایران اثرگذار است. اگر درآمد نفتی ایران سالی ۲۰۰ میلیارد دلار شود، بر این رویکرد مردمی اثر می‌گذارد اما باید توجه داشت‌که وقوع چنین شوک‌هایی روز به روز در ایران نامحتمل‌تر می‌شود. از دولت ترامپ نشانه‌هایی از عقلانیت دیده می‌شود و هم شواهد نشان می‌دهد که در اقتصاد تحول یک شبه بعید است که رخ دهد. توجه داشته باشید که در این انتخابات تمام کاندیداهای رقیب آقای روحانی در نهایت هوشیاری سعی می‌کنند از زیرسؤال‌بردن اصل برجام پرهیز کنند و طفره برون. هیچ صدایی از آنها بلند نمی‌شود که بگویند برجام اشتباه بوده است چراکه می‌دانند با بیان چنین جملاتی کوچک‌ترین اقبالی بین مردم نخواهند داشت. مگر کسانی که از این‌گونه درگیری‌ها سود می‌برند. سود ملت ایران در آرامش سیاسی داخلی و بین‌المللی تأمین می‌شود. از این حیث تحولات جاری ایران را باید به فال نیک گرفت...

نظر

پرسش‌های بی‌پاسخ از دولت در حوزه اقتصاد

● محمدکاظم انبارلویی: ... چه تناسبی بین این پاسخ‌ها و آن پرسش‌هاست؟ مردم سؤال می‌کنند کدام خشونت، کدام دیوارکنشی، کدام آزادی و...؟ ما چه می‌گوییم، رئیس‌جمهور چه می‌گوید؟! او در برابر یک استاد برجسته دانشگاه، یک روحانی برجسته و باسابقه در نظام و یک سرباز وفادار امام و رهبری و مردم که از جوانی جان خود را در دست گرفته و با دشمنان قسم‌خورده نظام مبارزه کرده و توانایی و قدرت خود را در سمت‌ها و مدیریت‌های بالای نظام نشان داده است، قرار دارد. کارنامه سیاسی آنها روشن است، مردم به‌خوبی آن را می‌شناسند. رئیس‌جمهور با اهانت به رقبא، شعور سیاسی مردم را نادیده می‌گیرد. او می‌گوید من یک حقوق‌دان هستم اما حقوق رقبا و منتقدان را رعایت نمی‌کنند و یک‌بار از روی عصبانیت از تریبون رسانه ملی بی‌پروا اعلام کرد: «بروید به جهنم!»...! روحانی همواره گفته به ممشای اعتدال و آرامش پایند است، اما این روزها عنان از کف داده و به مسیر خشونت و افراط و بزدبانی و رقیب‌هراسی روی آورده است. او اگر به همین مسیر ادامه دهد نشانی از حقوق‌دانی به صف کسانی می‌پیوندد که انتخابات را بهانه می‌دانند و مقصد دیگری دارند...

آفتاب

منظره رئیس‌دولت دهم و یازدهم

● آیت قیصربنیکی: ... آقای رئیسی وقتی از اختلاس و فساد حرف می‌زند منظورشون اختلاس‌های چندهزارمیلیاردی دولت گذشته هست یا به حقوق‌های نامتعارف دولت یازدهم که اتفاقاً ریشه حقوقی آن موضوع هم به معاون‌اول دولت گذشته برمی‌گردد اشاره دارد! قضیه‌ای که در آن روحانی شفاف و قاطعانه عمل کرد تا به‌جای باز قرمز قرار دادن کابینه و اعضای دولت ضمن بازگرداندن مبلغ حقوق‌های نامتعارف آن رویه هست یا تصحیح نمایند و با عوامل آن برخورد کنند و از مردم هم بدون لکت زبان عذرخواهی کنند. آقای رئیسی وقتی دم از فقر می‌زند منظورشان وضعیت زندگی مردم ضعیف جامعه در دولت گذشته است که با دادن ۴۵ هزار تومان یارانه قیمت حامل‌های انرژی را تا حدی بالا برد تا عملاً چند ۴۵ هزار تومان را از جیب مردم درآورد...

سیاست

«جمعه‌گردی» خبرنگار «شرق» در محله‌های مشهد

در شهر رئیسی و قالیباف چه می‌گذرد



عاطفه مرادی: مستقیم برو، به انتهای دیواره که رسیدی، سمت راست، چند قدم بشمار، می‌رسی به ...

شهر شلوغ است؛ اما دیوارهای شهر از آنچه در راه است، بی‌خبرند یا دست‌کم بی‌اعتنا به آن. برای این وقت از صبح هوا زیادی گرم است. نوغان، چهارسو نوغان... بین طبرسی و بهجت... یکی از قدیمی‌ترین محله‌های شهر مشهد. آشناست؛ کمی ساده‌تر از محله‌های مرکزی پایتخت با مغازه‌هایی پر از مُهر و تسبیح‌های رنگارنگ که چشم را می‌زنند؛ تک‌توک درهای پیر صدساله و بزرگ‌شده با رنگ آبی پوست‌انداخته با کوجه‌هایی تنگ و کولرهایی آویزان که صدایی از آنها درنمی‌آید.

چشم‌ها متعجب نگاه می‌کنند؛ اما تعجب‌ها به زبان نمی‌رسند. سخن‌ها جز از چیزهای روزمره نیست. مردمان اینجا برای چیزی در این عالم شتابی ندارند و جز پیش پایشان را نگاه نمی‌کنند؛ آهسته می‌خرامند، آهسته می‌خرند و آهسته با نگاهی دور می‌شوند. نوغان، چهارسو نوغان... بین طبرسی و بهجت... ناگهان صدایی آرام و لرزان می‌پرسد: «از طرف باز فرسوده آمده‌ای؟». صدا از آن مردی است سالخورده با دهانی خالی از سفیدی، نشسته لبه سنگی کنار نانوایی محل. نه. اندکی بعد، با لیخندی ساده و صدایی که کمی رساتر شده: «داشتی عکس می‌گرفتی، گفتم شاید برای این طرح جدید شهرداری آمدم». پیرمرد پیراهن چرکین، انگار جزئی از بافت فرسوده همین‌جاست؛ از قدیمی‌های محل و صاحب نانوائی پدری‌اش. حالا که باب هم‌صحبتی باز شده، می‌گوید: «اینجا قدیمی است؛ فرسوده، قرار است شهرداری زیرورویش کند»، نانوائی‌اش را هم؛ باین‌حال چندان ناراحت به نظر نمی‌رسد، می‌خندد و هربار غاری اسرارمیز نشان می‌هد که از آن کلماتی عجیب‌تر بیرون می‌آید.

چرا اینجا آن‌قدر آرام است؟ «خب این موقع‌ها زائر کم است»، نه! اینکه انتخابات است ولی خبری نیست. انگار نه انگار دو نفر از اینجا کاندیدا شده‌اند. بلند می‌شود: «مردم سرشان در کار خودشان است». کلاهش را که روی سرش جابه‌جا می‌کند، با تله‌جهج یزدی‌اش می‌گوید: «خانه یکی‌شان همین دوروبر بود». با صدایی آهسته‌تر حرف می‌زند و هر بار سرش را نزدیک می‌آورد و گاهی دوروبرش را می‌پاید: «قبر میر، نزدیک حمام حاج نوروز... ۱۵ سالکی‌اش رفت از اینجا». سکوت می‌کند و لحنهای بعد: «بعد شنیدیم دادستان شده... شما او را می‌شناختید؟» ولی نه! از بقیه هم‌سن‌وسال‌هایم شنیدم که همان موقع رفت. بعد هم باخبر شدیم دادستان شده... دایی‌اش بعضی وقت‌ها می‌آید اینجا. آدم صاف و صادق است. تقریباً هر هفته می‌آید و می‌گوید رفتم از او یک پیرهن گرفتم». باز سکوت و این‌بار طولانی‌تر. تردید از حرفی که زده نگاهش را سنگین می‌کند و پایین می‌اندازد.

اوضاع نانوائی خوب است؟ «خدا را شکر». می‌شود استمان را بگویند. خنده‌اش می‌گیرد: «محسن... محسن رضایی». پس از مکثی کوتاه می‌گوید: «آدم معمولی بودن از همه چیز بهتر است». ادامه نمی‌دهد، سنگینی تردید، پایان هم‌صحبتی را رقم زده.

قبر میر انگار قطعه‌ای گمنام است. هرکسی نمی‌شناسدش، آنهایی هم که می‌شناسند نمی‌گویند؛ چیزی از آن نمانده جز انگشت‌شمار خانه‌های فروریختنی حوالی چهارسو نوغان.

چهارسو نوغان همان نوغان است که حالا خیابانی از وسطش عبور کرده و چون بخش کوچک‌تر جدا افتاده است، قدیمی‌تر و بی‌سرواستان‌تر به نظر می‌رسد. از دور تابلوی حمامی دیده می‌شود. بافتن حمام با آن کمگشتگی آن‌قدر آسان، سهل‌الوصول به نظر نمی‌رسید. روی دیواری نوشته بود حمام؛ اما کمی نزدیک‌تر، تابلو چیز دیگر داشت: «حمام ممتاز- مردانه». کمی آن سبوتر: «حمام ممتاز- زنانه». درش قفل بود. مردی میان‌سال از حمام مردانه بیرون آمد. حمام حاج نوروز کجاست؟ «همین کوچه را برو، پایین‌تر رسیدی به دیوارهای فلزی می‌شود حمام حاج نوروز». دیوارهایی فلزی که دور تا دور زمینی بزرگ با ویرانه‌ای از درگاهی قدیمی را پوشانده. هیچ اثری از حمام حاج نوروز نیست، جز تابلویی آبی‌رنگ که ۲۰۰ متر پایین‌تر آسمش روی آن حک شده است. کوچه‌ای باریک میان دیواره‌های فلزی و دیواره‌ای سیمانی که زده چوبی آبی‌رنگی که با آجرهای پشت سرش یکی شده. پیرمردی با کلاهی نمدی با قدم‌هایی کوتاه و سرگردان عبور می‌کند؛ مانند فردی زنجور. آفتاب چنان او را سوزانده که غورهای انگور شده؛ باین‌حال کت‌وشلوار قهوه‌ای یکدست با پیراهن و تسبیچی آبی و چشمانی که در دورها بی چیزی می‌گردد و می‌گریزد، از او چیزی جز یک پیرمرد ساده نشان می‌دهد. طوری نگاه می‌کند که انگار می‌خواهد از چیزی مطمئن شود. جای جواب فقط می‌گوید: «من آدم ساده‌ای هستم، برابم دردسر درست نکن دختر جان». دستانش را محکم‌تر دور تسبیح فیروزه‌اش می‌پیچد. سکوتش مثل سکوت تمام مردم شهر مبهم است.

حاج آقا! فقط آدرس قبر میر...

به ماشینی تکیه می‌دهد و در حالی که چشمانش را به تسبیح فیروزه دوخته، می‌گوید: «چیزی از میر نمانده. مستقیم برو، به انتهای دیواره که رسیدی، سمت راست، چند قدم بشمار، می‌رسی به قبر».

خبری از قبر میر نیست. اینجا تا چشم کار می‌کند، برج است و بی‌هایی که قرار است برج شوند. پشت درهای بسته یکی از کارگاه‌های ساختمانی

پس از تأیید پیش‌شرط اصلاح‌طلب‌بودن داوطلبان

هر کس که فاکتورهای مذکور را داشته باشد، شانس بیشتری برای حضور در فهرست اصلاح‌طلبان شورای اصلاح‌طلبان در دیگر شهرها را دارند.

فرامرزبان در گفت‌وگو با «شرق» از فراگیربودن چتر شورای سیاست‌گذاری در سراسر کشور خبر داد و افزود: براساس هماهنگی‌های صورت‌گرفته و دیدارهایی که با شورای اصلاح‌طلبان استان‌ها داشته‌ایم، قرار شده است تا آنها نیز این‌چتر را رعایت کنند. او با اشاره به اینکه تعداد کرسی‌های شهرها و مراکز استان‌ها از ۱۵ تا هفت کرسه متغیر

است، ادامه داد: اصلاح‌طلبان برای درست‌داشتن کرسی‌های مدیریت شهرها در سراسر کشور برنامه‌ای منسجم ارائه کرده‌اند. او با تأکید بر اینکه شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان درباره افراد شهرهای دیگر اظهارنظر نخواهد کرد، ادامه داد: ما فقط مصادیق را به شهرواهای اصلاح‌طلبان استان‌ها و شهرها اعلام کرده‌ایم و آنها خود مستقل

که رویش بزرگ نوشته «رود افراد متفرقه ممنوع»، خاک و خشت‌های خانه‌ای محصول توی ذوق می‌زند؛ لابه‌لای میلگردهای تخلیه‌شده و تنه درختان کهن‌سال که قطع شده‌اند و چند سنگ لوح که قدمت یکی به ۱۱۱ می‌رسد.

مرد جوانی بین کوره‌راهی میان دو کارگاه نشسته است. با لیخند تلخی به زمین‌های بزرگ پشت سرش اشاره می‌کند و با لهجه مشهدی توضیح می‌دهد: «اینجا قبرستان وقفی میر فرزانه و دلسوزی بود که خودش هم در آن دفن شده، تمام این زمین‌ها، وقف میر بوده و آن خانه خشتی هم مدرسه‌ای است که او وقف کرده». ادامه می‌دهد: «اینجا با دستور و مجوز بنیاد تعاون ناجا کارش را شروع کردند... شب‌هایی که زمین را می‌کندند، استخوان‌ها هنوز سالم بود و با خاک بالا می‌آمد». مرد جوان که با دو نفر دیگر هم‌سن خودش وظیفه نگهدیانی از اینجا را دارد، از زبان اهالی محل می‌گوید: «تعاونی ناجا خانواده میر را در نهایت با معاوضه زمین وقفی پدری‌شان راضی کرده». «قبر میر» هم گویا جایی زیر میلگردها کم شده و قرار است جای آن هتلی ساخته شود. احتمالاً برای زائران. سرنوشت «قبر میر» رنگی از سرنوشت کودکانش را به خود گرفته. قبری گمنام و گمشده میان استخوان‌های نیم‌خورده صدها جنازه دیگر، گرفتار آمده به بازوهای بولدورها.

از دور گلدسته‌های حرم دیده می‌شود. هوا گرم‌تر شده است. راننده تاکسی در میان سالی است که بی‌مقدمه حرف می‌زند؛ گویی مخاطبش کسی دیگر است. لطیفه می‌گوید و قافاه می‌خندد و دوباره قافاه می‌خندد. لابه‌لای جوک‌ها و خنده‌هایش رادیوی ماشین را روشن می‌کند. خطبه‌های نماز جمعه مشهد پخش می‌شود: «... سایه جنگ را مردم از سر خود دور کرده‌اند و امنیت را هم همین مردم در کشور حفظ می‌کنند... انتخابات یک تکلیف شرعی است... مردمی که صبح تا شب در معدن کار می‌کنند، شب که خانه برمی‌گردند چه چیزی برای زن و بچه‌اش باید بپرد؟ با این وضعیت که شرمنده زن و بچه‌اش نشود... به کاندیدای اصلح رای بدهید...». راننده با خنده رادیو را خاموش می‌کندو چیزی می‌گوید.

صحن خلوت است، درهای داخلی را بسته‌اند برای نماز جمعه. آنهایی هم که بیرون مانده‌اند، در سایه یا قیلوله می‌کنند یا نشسته‌اند و ذکر می‌گویند. از تلویزیون‌های بزرگ، تصویر امام‌جمعه پخش می‌شود. هنوز درباره سرنوشت نامزد مشهد حرف می‌زند: «به کسی رای دهید که حواش به کارگرا باشد...».

بیرون حرم هم نشانه‌ای از انتخابات نیست؛ برای شهری که زادگاه دو نامزد انتخاباتی است، همه‌چیز خیلی بی‌سرواست. راننده تاکسی می‌گوید: «مشهد شهر زائر است؛ زائر که نباشد، ساکت است». انتخابات هم باشد همین است؟ پوزخندی می‌زند، چشمانش ترسیده‌اند، جلوی ستاد تبلیغاتی مهم‌ترین نامزد مشهد می‌ایستد.

ستاد نیمه‌تعطیل است. دو نفر پشت میزی نشسته‌اند و درباره کنسرت‌ها و ... بحث می‌کنند؛ یکی مدافع و دیگری معترض است.

بچه‌های ستاد درباره آرامی اوضاع شهر می‌گویند: «هنوز زود است هفته دیگر شلوغ می‌شود»، با لیخندهایی که نشان از اطمینانی دارد. دیگری می‌گوید: «منتظریم اول آن طرف شروع کند، بعد ما...». از مشهدی‌ها که می‌پرسی، کسی به‌جز رابطه این نامزد با امام‌جمعه شهر، چندان نمی‌داند و آنهایی هم که می‌دانند برخی‌شان با رغبت از او نمی‌گویند؛ روحانی سیدی که تنها از زمانی برایشان شناخته شد که به تولیت آستان رسید؛ باین‌حال کسی که جلوی ستاد نشسته، فهرست می‌کند که نامزد تحت حمایتش، سمت‌هایش از دادستان بوده تا معاون‌اول قوه قضائیه. برای عکس‌برداری از ستاد، می‌گوید باید با ستاد مرکزی هماهنگ کنند.

آن سو در ستاد رقیب، در نگاه اول کُلمن بزرگ آبی است با یک لیوان که گذاشته‌اند انتهای سالن و چند باند و لپ‌تاپ کنارش. بتر بزرگی کنار در ورودی نصب کرده‌اند؛ چندین چهره و دو دست روی هم قرار گرفته. گردگرد صورت نامزد به تصویر کشیده شده‌اند. ستاده در شهر به دو نامزد روحانی خلاصه می‌شوند؛ یکی برای روحانی سیاه دستار و دیگری؛ سفید دستار. فاصله ستاده‌ها هم از هم در شهر در اکثر مواقع از چندصد متر تجاوز نمی‌کند.

مثل دیگر ستاده‌های شهر همه جوان هستند. دستبندهای سبز و بنفش را کنار هم بسته‌اند و سرورده‌های حماسی‌شان را با هم می‌خوانند. برای عکس‌برداری لیخند می‌زنند و با چای و شیرینی پذیرایی می‌کنند.

مرد جوانی سسر تا پا سیاه‌پوش با ریشی سیاه و سیگارهایی که پشت هم روش می‌کند، می‌گوید: «اینجا جزیره اصولگرهاست». با بغضی که صدایش را دو رگه کرده از تلاش هر دوره‌اش می‌گوید که می‌داند «به شک می‌زنندش» اما باز دست برنمی‌دارد: «اِشال من می‌دانند که هرچقدر تلاش کنیم رای اینجا چه خواهد بود. عشق، فقط ما را هر دوره به اینجا می‌رساند».

کناری‌اش با حسرت حرف می‌زند: «شهری که در آن همه چیز اختلاط دختر و پسر محسوب می‌شود... اینجا با همه جا فرق می‌کند...».

نگاه‌های ترسیده که خود را می‌دزدند و برای بغض‌کردن قایم می‌شوند. نگاه‌ها با هم غریبه‌اند.

آن طرف خیابان چند قدم بالاتر چندین جوان با نریش‌های تنک و چادرهایی که قشنگ روی روسی‌ها قرار گرفته‌اند، روی پارچه‌های سفید دلونوشته می‌نویسند. نصف ستاد را با حدود ۶۰۵۰۰ صندلی پر کرده‌اند. بلندی سقف ستاد با لوسترهایی آویزان شبیه لوسترهای زیارتگاه‌ها کوتاه شده و تصویری از لیخند نافرمان‌شان-روحانی سیاه دستار- در انتها نصب شده است. ستاد‌ها آرام و خلوت اند؛ مثل همه شهر. چند جوان هم‌مسلك کنار هم ایستاده‌اند و گپ می‌زنند؛ خبری از تبلیغات، پخش پوستر و برنامه نامزدها نیست.

شمال شهر، وکیل آباد، راننده جوانی ۲۹ ساله است، می‌گوید: «دو سال است منتظر وام ازدواجم، رای نمی‌دهم و اگر بدهم به خودم رای می‌دهم...». چند لحظه بعد دوباره و این‌بار کمی عصبانی‌تر درباره دو نامزد هم ولایتی‌اش شروع می‌کند: «اینها از همان بچگی از اینجا رفتند، کسی نمی‌داند حتی خانه‌شان کجاست، با ماشین ضدگلوله می‌آیند و می‌روند، تا قبل از این کسی نامشان را نشنیده بود؛ حالا پیدایشان شده! حالا فهمیده‌اند دغدغه ما را دارند؟...».

شرایط در شمال شهر متفاوت است. انگار که از شهری به شهر دیگر آمده باشی؛ اینجا همه در آمیادوری ناپیدند. می‌گویند در انتخابات مجلس به نتیجه نرسیده‌اند و دیگر هیچ نمی‌گویند.

درون و بیرون ستاد مناظره‌ها در حال پخش‌شدن است. جمعیت جلوی تلویزیون نشسته‌اند درحالی‌که سخنان نامزدها در مناظره، گاهی فریاد ناراحتی آنها و گاه کف و سوت‌شان را به همراه دارد. آن سو، ستاد رقیب خلاصه شده است به عکس‌هایی روی شیشه‌های ساختمانی خالی یا مغازه‌ای با کرکره‌های پایین کشیده‌شده که در سکوت چند دختر چادری ردیف‌های جلو و چند پسر جوان ردیف‌های عقب نشسته‌اند. رئیس ستاد که جوان لاغری بیست‌وچندساله است، وقتی دوربین را می‌بیند، بی آنکه عکسی گرفته شده باشد، با شتاب پیش می‌آید و فریاد می‌زند: «عکاسی ممنوع است، عکاسی ممنوع است...». و مدام تکرار می‌کند، چند لحظه بعد کسی از دوستانش می‌آید، آرامش می‌کند و روی صندلی می‌نشانند و این سو چندباره عذرخواهی می‌کند. چند دقیقه بعد خودش نیز می‌آید و درحالی‌که چشمانش را به زمین دوخته عذرخواهی می‌کند. هنگام برگشتن با همان ناراحتی به‌جامانده به دوستش می‌گوید: «اصلاً نباید اینجا مناظره پخش می‌کردیم».

دیوارهای شهر بی‌خبرند یا بی‌تقتا. شهر سحر شده انگار؛ رخوت فراگرفته. نوغان، چهارسو نوغان، محسن رضایی نانوا، قبر میر؛ قبری محصور میان میلگردها با شیشه‌ها و سنگ‌هایی که فردا نشانه‌اش می‌شوند. در قبر میر کودکی نیست؛ همه پیرند و چروک با همین‌خاطر

هراسان، دستانی متوسل و قدم‌هایی لرزان... اهالی اینجا همگی همین حال‌اند؛ سرها پایین، قدم‌ها آرام.

جوانان و زنان خواهد بود، ادامه داد: انتظار می‌رود هم خانم‌ها و هم جوانان از این سیاست حمایت کنند و ان‌شاءالله مشارکت جدی در انتخابات شوراها داشته باشند. رئیس فراکسیون امید اضافه کرد: این سیاست در ادامه اول است که ما عملاً از سال ۹۲ شروع کرده‌ایم و کمته کارشناسی این بحث را داشت و شورای‌عالی هم این جهت‌گیری را تأیید کرد. ما در کام قبلی این سیاست را دنبال کردیم و موفق شدیم؛ زیرا ما هم خانم‌هایی که به مجلس آمدند و هم جوان توانایی و شایستگی‌شان را نشان دادند و این سیاست در عمل جواب داده؛ به‌همین‌خاطر ما در این مسیر جدی‌تر از گذشته جلو می‌رویم. در پی انتشار چارت‌بندی فهرست اصلاح‌طلبان برای انتخابات شورای شهر چهره‌های اصلاح‌طلب یکی بعد از دیگری به میدان آمدند و از ضرورت تبعیت اصلاح‌طلبان از فهرست نهایی سخن گفتند. به نظر آیت‌الله ره‌پرو در پیروزی در شورای شهر تبعیت از فهرست است.

آینه دیروز

۹ سال پیش در چنین روزی...

کیمیان

- مقام معظم رهبری: حضور نظامیان آمریکایی عامل تشنج و ناامنی در عراق است
- در همایش اصولگرایان مجلس هشتم: علی لاریجانی رئیس هیئت‌مدیره فراکسیون اصولگرایان شد
- معاون وزیر کار: تثبیت یک میلیون فرصت شغلی در بنگاه‌های زودبازده
- رئیس‌جمهور سوریه: هرگز و طبق هیچ توافق نامه‌ای از رابطه با ایران در برابر صلح با اسرائیل نمی‌گذریم
- رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام: منطق زورگوانه استکبار منشأ مشکلات دنیای امروز است
- محمد البرادعی: آمریکا باید در برابر ایران انعطاف بیشتری نشان دهد

انتقاد

- مقام معظم رهبری: جذب سرمایه‌های ایرانیان خارج کشور ضروری است
- مدیرکل آژانس بین‌الملل انرژی اتمی: ما در راستی آزمایی فعالیت‌های هسته‌ای ایران در گذشته و حال پیشرفت خوبی حاصل کرده‌ایم
- وزرای کشور و اطلاعات، غیرممی‌بودن حادثه انفجار شیراز را رد کردند
- خانه‌تکانی در وزارت امور اقتصادی، پورمحمدی رفت، عرب مازار هم می‌رود
- روبرت هانتز، سفیر سابق آمریکا در ناتو و مشاور ارشد مؤسسه رنه: آمریکا نیازمند همکاری ایران است
- آیت‌الله‌هاشمی‌رفسنجانی در دیدار با سفیر اتریش: هرگونه پیش‌شرط برای مذاکره غیرمقولانه است

● حسینی، سخنگوی وزارت خارجه: رأی دادگاه تجدیدنظر لندن مبنی بر خروج گروهک تروریستی منافقین از فهرست گروه‌های تروریستی محکوم است

ایران

- مقام معظم رهبری: ملت ایران یکپارچه از منافع خود دفاع می‌کند
- احمدی‌نژاد در گردهمایی نمایندگان منتخب مجلس هشتم: دولت اهل سرعت در تصمیم‌گیری و اجراست
- سخنگوی وزارت خارجه: دخالت‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی عامل اصلی وضعیت نابسامان لبنان است
- محمدعلی جعفری، فرمانده کل سپاه: نمی‌توانیم به الگوهای غیرومی و غیراسلامی متکی باشیم
- داوودی، معاون اول رئیس‌جمهوری: استیضاح وزیر بازرگانی مبنای علمی ندارد
- آیت‌الله مصباح‌یزدی: هدف انقلاب، احیای ارزش‌های اسلامی و کمک به محرومان بود
- سرپرست معاونت حقوقی و مجلس رئیس‌جمهور: رأی دیوان عدالت به افزایش ضریب حقوق کارکنان دولت خلاف سیاست عدالت‌محوری است

آفتاب

- کروبی خطاب به احمدی‌نژاد: به جای انتساب مدیریت خود به امام زمان (عج) مشکلات را به آمریکا واگذار
- مشاور مطبوعاتی رئیس‌جمهور: نسبت به پیمان‌شکنی دانش جعفری، اغماض شده است
- مصباحی‌مقدم، عضو‌کمسیون اقتصادی مجلس: به ادعاهای دولت درمورد تورم را نبندون بودجه اعتماد کردیم
- مرکز پژوهش‌های مجلس اعلام کرد: چندبرابرشدن واردات شکر هم‌زمان با افزایش تولید داخل
- بروجردی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی: صرفه‌جویی، نیازمند برنامه‌ریزی صحیح مسئولان است
- فرهنگی، عضو‌کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس: در قبال مسئله فلسطین، ایران از این بیشتر نمی‌تواند مؤثر باشد

اطلاعات

- مقام معظم رهبری: امنیت خلیج‌فارس باید به دست دولت‌های منطقه تأمین شود
- آیت‌الله‌هاشمی‌رفسنجانی: ایران هیچ تبعیضی را درباره حقوق هسته‌ای خود نمی‌پذیرد
- سیدحسن نصرالله: برخی دولت‌های عربی زیر فشار آمریکا قصد دارند ایران را مسئول بحران لبنان معرفی کنند
- رئیس مجلس: اداره کشور باید براساس قانون باشد

جمهوری اسلامی

- احمدی‌نژاد: وضعیت اقتصاد و عمران کشور نیاز به اتخاذ تصمیمات بزرگ دارد
- آیت‌الله‌هاشمی‌رفسنجانی: هرگز زیر بار محرومیت از فناوری هسته‌ای نمی‌رویم
- فرمانده کل سپاه: باید مواظب آسیب‌ها و تهدیدات داخلی باشیم
- سخنگوی وزارت خارجه ایران: ماجراجویی آمریکا و رژیم صهیونیستی عامل استمرار درگیری‌های ایران است